

نوراکبر پایش

نگاهی به یادداشت مورخ ۲۵ میزان محترم انجنیر نظر

محمد به وزارت عدلیه جمهوری اسلامی افغانستان

قبل از پرداختن به اصل موضوع چند مسئله را قابل یاد آوری میدانم:

- بخاطر تسلیمدهی یادداشت مورد بحث نه متأسفم و نه متأثر ، انرا کار شخصی محترم انجنیر نظر محمد میدانم ، حق دارند تصمیم بگیرند با حزب وطن چه مناسبتی داشته باشند. مخالفت ویا توافق با این یادداشت را حق خود و یا هر کس دیگری میدانم . من با آن مخالفم و این مخالفت، مخالفت با شخص نه بلکه مخالفت با عملیست که صورت گرفته . آنانیکه دشنام توهین و تهمت را بجای منطق وبحث مینشاند مخاطب من نیستند و حضور آنها را در بحث نادیده میگیرم .

- در تبلیغ و اطلاع رسانی در مورد این یادداشت از زبان مستهجن وواژه های متعفن و توهین آشکار استفاده گردیده که نمیدانم جناب محترم انجنیر نظر محمد با آن توافق دارند یا خیر ، اگر موافق باشند برای شان واقعاً متأسفم.

- طوریکه معلوم است جریان انحرافی در عقب تبلیغات پیرامون این یادداشت خود را پنهان نموده است که زیر نام حزب وطن در واقع بر علیه حزب وطن برنامه های تخریبی خود را دنبال مینماید و بعید از امکان نیست که در تهیه این یادداشت به نحوی سهمیم باشد .

باور ندارم تمام اشتراک کننده گان این جریان که از لحاظ عددی بسیار محدود و از لحاظ دیدگاه ها و نظریات نامتجانس است از اهداف پنهان جریان انحرافی مذکور آگاهی لازم داشته باشند .

اگر مجاز باشد بگویم آنانیکه «صادقانه در اشتباه اند» در تفسیر مواضع سیاسی خویش ، در تعریف جایگاه که باید داشته باشند و نسبتی که با حزب وطن بعد از تدویر مجمع عمومی آن باید بر قرارکنند عاجز مانده اند ، اینان به جای آنکه بحث را روی اسناد اساسی مصوب مجمع عمومی ،اهدافی را که دنبال میگردد ، رابطه فکری و اعتقادی که با اصول شاخص حزب وطن بر قرار گردیده متمرکز ساخته مورد بحث بررسی و نقد قرار دهند راه حل را در رد کامل و بی دلیل نثار «سقاوتمندانه» دشنامها ، توهین ، تحقیر و تهمت جستجو نموده نشان میدهند که طرف جدی برای بحث نیستند. یا اینکه عقده گشایی میکنند و یا ماموریت ایجاد فضای متشنج میان نیروهای دارای سمت واحد تفکر و حرکت را عهده دار شده اند.

مگر چه واقع شده است که گزارش اساسی به مجمع عمومی را با آن همه گسترده گی مسایل مطروحه در آن، و همچنان محتویات مندرج درمرامنامه و اساسنامه مصوب مجمع را نمیبینند و نظر این « عالیجنابان» را (تا چنانیکه من میدانم خلاف سلیقه و کرکتر انجنیر نظر محمد و با سوء استفاده از یادداشت شان) «مشنگ فروشان وگنی فروشان و» جلب مینمایند . و گویا اینرا نقطه ضعف و ننگین مجمع یافته اند ، من بالای این نکته تاکید نمیدارم کسانی را که اینان مستحق توهین دانسته اند برابر عمر تعداد زیاد شان تحصیل نموده و اسناد آنرا در دست خود دارندو بالاتر از چاردهه تاریخ مبارزات پر افتخار دارند . من میخواهم برای شان خاطر نشان سازم که غریبکاری ، « ناریال

فروشی، مشنگ فروشی و گنی فروشی « ننگ نیست، وطنفروشی و جاسوسی به بیگانه گان ننگ است.

واکنون در مورد یادداشت مورد بحث :

با توجه به عدم دقت و تضاد های درونی این یادداشت و درک و برداشت از نقش، صلاحیت ها و مسؤلیت های مقامات رهبری کننده حزب، باور نمیکنم که این یادداشت نوشته محترم انجنیر نظر محمد باشد ولی با توجه به سکوت طولانی محترم انجنیر نظر محمد در باره آن، فرض بر آن میگیریم نویسنده، امضا کننده (ویا هردو) ایشان باشد.

محترم انجنیر نظر محمد در آغاز و پایان یادداشت شان ادعای مالکیت بر حزب وطن نموده اند. ایشان بدون آنکه وصف سابق را ذکر کنند خود را « عضو هیأت اجراییه و معاون حزب وطن » قلمداد نموده و خویشتن را بدون داشتن کوچکترین سند و مدرک نماینده « تعداد کثیری از اعضا و کادر های ارشد حزب » معرفی میدارند و در پایان نیز « حق خود را منحیث مرجع قانونی تصمیم گیرنده حزب وطن » محفوظ میداند. این در حالیست که خود شان هم تأکیداً مینویسد که در اثر « تغییر وضع امنیتی و رویداد های سیاسی - اجتماعی در سال ۱۳۷۱ ش و سالهای پس از آن تشکیلات رهبری کننده حزب در مرکز و ولایات پراکنده و اعضا و کادر های رهبری کننده حزب وطن در داخل و خارج کشور متواری گردیدند. بگذریم از اینکه با عنوان کردن « وضع امنیتی » خیانت بزرگ ملی مخالفت با انتقال مسالمت آمیز قدرت به حکومت عبوری در چوکات عملیه صلح ملل متحد را پرده پوشی میکند.:

اولاً خود شهادت میدهد که تشکیلات رهبری کننده حزب در مرکز و ولایات از هم پاشیده و عملاً وجود ندارد، پس چطور میتواند ایشان عضویت هیأت اجراییه را که وجود ندارد و ریاست حزب را که وجود ندارد داشته باشند.

ثانیاً آن جمع غفیری از اعضای هیأت اجراییه و ریاست هیأت اجراییه فرو پاشیده و ناموجود چه وقت و در کجا صلاحیت های خود را به ایشان انتقال داده اند که خود را « مرجع قانونی تصمیم گیرنده حزب وطن » میدانند؟ اگر چنین اتفاقی نه افتیده که نه افتیده در کجای اساسنامه حزب وطن شخص « مرجع قانونی تصمیم گیرنده حزب وطن » تسجیل گردیده؟ و اگر این هردو حالت وجود ندارد پس منبع تفویض « مرجعیت » کدام است؟

ثالثاً در کجا و چه تعداد « اعضا و کادر های ارشد حزب » به ایشان صلاحیت نماینده گی سپرده اند، از آن « هزارانی » را که ادعا دارند از هزار آنها نام بگیرند، از پنجد شان، از دوصد شان نام بگیرند و بگویند که در کجا و چه وقت ایشانرا نماینده خود تعیین نموده اند؟

رابعاً انجنیر صاحب محترم مگر نمیدانند که بعد از تدویر مجمع عمومی حزب و انتخاب مقامات جدید رهبری کننده حزب، شخصیت های عضو مقامات سابق رهبری صلاحیت های خود را از دست میدهند مگر اینکه بار دیگر انتخاب شده باشند. که محترم انجنیر صاحب نظر محمد در ترکیب شخصیت های جدیداً انتخاب شده شامل نیستند. چه واقع شد که باور نموده اند که دارای مقام مادام العمر، ذیصلاح، تام الاختیار و ماندگار در رهبری حزب وطن اند؟

با توجه به وضعیت تحمیلی ناشی از پراکنده گی تشکیلاتی، عده بی عرصه فعال مبارزه راترک گفتند، عده بی چاره را در تاسیس احزاب و سازمانهای جدید از بدنه فروپاشیده حزب دیدند، عده ای چه قبل و چه بعد از فروپاشی با احزاب مختلف منجمله احزاب جهادی پیوستند که در نتیجه راه را برای شورای نظر بداخل شهر کابل و برای افراد مسلح حزب اسلامی تا بداخل ارگ ریاست جمهوری باز نمودند.

از جمله اعضای وفادار به آرمانهای حزب وطن طرح تدویر مجمع حزب وطن را راه بازگشت حزب وطن به وضعیت سیاسی کشور اعلام داشتند و تلاشهای را برای ایجاد ساختار های موقت برای مبارزه انتظام یافته بخاطر نیل به هدف مطروحه پیگیری نمودند.

درین پروسه سه مسئله چهره اصلی حرکت را تعیین میکرد:

اول حزب وطن از لحاظ تشکیلاتی فرو پاشیده و آنچه موجود است آرمانها و اعضای معتقد به این آرمانهاست، لذا ما همه اعضای متساوی الحقوق حزب وطن هستیم که بخاطر تحقق هدف تدویر مجمع حزب باهم جمع شده ایم. درین فورمولبندی نه « ارشدی » بود و نه مقامداری. فورمولبندی که مدعیان « ارشدیت و مقامداری » نیز آنرا

پذیرفته بودند. و طوریکه همه میدانند از سال ۲۰۰۲ بدینسو نه تنها با طرح (تدارک و تدویر مجمع حزب بر اساس تشریک مساعی اعضای متساوی الحقوق حزب وطن) مخالفت صورت نگرفت بلکه در داخل و خارج از کشور برای این هدف کار مشترک بعمل آمد.

در همین سالهائیکه محترم انجنیر صاحب در حالت سکوت بسر میبردند و حتی یک موردی را هم نمیتوانند نشان دهند که در افشای توطیه ها و توطیه گران و مدافین خارجی آن ، توضیح اندیشه های سیاسی حزب و یا تشکل سیاسی آن عمل نموده باشند ، تشکیلات موقت انسجام اعضای حزب وطن شجاعانه به افشای توطیه و توطیه گران پرداخت ، بنیاد های اندیشه وی حزب را در حد بضاعت و توان خود توضیح و دفاع نمود و تمام ثقلت بار تدارک و تدویر مجمع عمومی حزب را بدوش کشید و در پایان کار همان طوریکه وعده سپرده بود انحلال خویش را اعلان و راه را برای تدویر مجمع عمومی حزب باز نمود، اکنون که حزب وطن از طریق تدویر مجمع عمومی خویش دوباره در وضعیت سیاسی کشور اظهار وجود نموده است انجنیر صاحب فعالی فعال اند و ادعا دارند که مرجع منم ، صاحب حزب منم ، بی من بسر نمیشود .

این سکوت اگر عدم علاقمندی به سرنوشت حزب تعبیر شود به این غوغای بعد از حضور دوباره چه نام بگذاریم ؟ اگر به این پرسش اعضای حزب پاسخ داده نشود ، آنان حق دارند به نیت نهفته پشت هردو وضعیت شک کنند .

دوم بر خورد های عجولانه از تغییر نام گرفته تا تاسیس سازمانهای جداگانه فاقد اعتبار اصولی برای تعیین سرنوشت حزب وطن اند . در پهلوی آنکه ما تغییر مواضع سیاسی را حق شان میدانیم و لی درعین حال عضویت حزب وطن را نیز داوطلبانه و بر مبنی انتخاب خود شان از دست میدهند .

سوم ما هر دو انحراف (پیوستن با شورای نظر و حزب اسلامی) را محکوم و یکی از عوامل تداوم جنگ میان گروهی و ویرانی مادی و معنوی کشور خود میدانیم . دوستان ما با مراجعه به اسناد جلسات هامبورگ (۵ جنوری ۲۰۰۲ و بریمین ۱۲ جون ۲۰۰۴) میتوانند این خطوط را بوضاحت ببینند .

انجنیر صاحب لابد تبلیغات جریان انحرافی را باور نموده اند که تدویر مجمع عمومی حزب کار « گروهکی کوچکی...» بوده ؟ و از موضع مرجعیت فتوا صادر نمودند که مجمع عمومی دایر شده حزب فاقد اعتبار و صلاحیت است . درین جا نیز نه تنها این کشف در تقابل با واقعیت قرار دارد بلکه خود کاشف با کاشفین نیز آنرا باور ندارند.

اگر کسی قبول کند یا نکند واقعیت اینست که بتاريخ ۵ میزان ۱۳۹۱ مجمع عمومی حزب وطن در شهر کابل دایر گردید . در کار این مجمع از میان ۲۵۱ نماینده انتخاب شده از میان اعضای متشکل و غیر متشکل حزب از ولایات کابل، نیمروز، میدان وردک ، پکتیا ، پکتیکا ، خوست ، غزنی، غور ، بغلان ، تخار ، سرپل ، جوزجان ، بلخ ، فاریاب ، ننگرهار، لغمان، نورستان ، کنر، پروان ، هلمند ، شهر کابل و خارج از کشور ۲۴۰ نماینده شرکت ورزیده بودند.

درین مجمع ۱۲۹ نفر مهمان از کته گوریهای مختلف جامعه از زنان و مردان ، به نماینده گی از احزاب سیاسی، موسسات اجتماعی، ژورنالیستان و شخصیت های با اعتبار سیاسی و اجتماعی دعوت گردیده بودند که تعداد مجموعی اشتراک کننده گان به ۳۷۰ نفر میرسید که خود بیانگر اعتبار و نفوذ سیاسی حزب وطن و مجمع عمومی آنست .

حضور نماینده گان منتخب از تمام کته گوریهای قومی، زبانی و مذهبی کشور نمایانگر چهره واقعا ملی این مجمع بود . این حقیقت که در میان نماینده گان منتخب ۱۱۵ تن دارای تحصیلات لیسانس و ما فوق لیسانس و ۱۴۱ تن دارای تحصیلات متوسط مکمل و نا مکمل بود نشاندهنده کیفیت بالای است که هیچ کذب و اتهام جریان انحرافی نمیتواند آنرا مکدر سازد .

اینکه درین مجمع عمومی حزب کدام مسایل مورد بحث قرار گرفت درین مختصر نمی گنجد و مستلزم بحث جداگانه است که بموقع به آن پرداخته خواهد شد .

همین واقعیت مجمع عمومی است که تعدادی را دست و پاچه ساخت و مخصوصاً زمانیکه مطمین گردیدند که حزب وطن هم نیت آنرا دارد و هم صلاحیت آنرا تا مطابق شرایط جدید ثبت و راجستر احزاب سیاسی مسئله راجستریشن

خود را پیگیری نماید، محترم انجنیر صاحب به نماینده گی از « اکثریت کادر های ارشد» خیالی و ناموجود با عجله و دست و پاچه خود را به دروازه وزارت عدلیه رساند تا در تحت حمایت آن جلو ثبت و راجستر حزب وطن را تحت نام حزب وطن بگیرد.

اگر آنها واقعاً به گفته خود باور داشتند ضرورتی به این مراجعات چه بود . مطابق شرایط جدید یک حزب سیاسی زمانی ثبت و راجستر شده میتواند که حداقل ده هزار عضو داشته و در بیست ولایت نماینده گیهای خود را تأسیس نموده باشد . اگر تدویر مجمع عمومی حزب وطن کار به گفته آنها یک گروهک کوچک و نا توان و تجرید شده بود ه باشد واضح است که توان تکمیل شرایط فوق را ندارد پس این وارخطایی و دست و پاچه گی چه معنی دارد !! و اگر این وارخطایی شان مورد داشت (که دارد) آنها نه با یک گروهک بلکه حزب وطن مواجه اند .

بعید از امکان نیست که این حرکت دست و پاچه که انجنیر نظر محمد ممثل آنست مورد پسند حلقاتی در ماورای سرحدات کشور نیز واقع شده و از اینکه خواست ها و منافع همه شان درین نقطه انطباق یافته مساعی خود را مشترک ساخته و یا در آینده بسازند.

با وجود آنکه حزب وطن تمام شرایط قانونی ثبت و راجستر مجدد را تکمیل نموده است اگر احتمالاً این حرکت با حمایت حلقات معلوم الحال تعبیه شده در کادر دولت و پستهای حساس اداری بتواند جلو ثبت و راجستر حزب وطن را بنام حزب وطن بگیرد و یا درین راه اخلاص نماید مسؤلیت تاریخی آن بدوش کسانی خواهد بود که برای تگدی حمایت، در مخالفت حزب وطن (هر چند زیر نام حزب وطن) دروازه ارباب قدرت را دق الباب میکنند.